

پنهان تاریخ آیت چهل — عدد یازده

نمبر گیاره

Jeff Pippenger

2026-05-21

کتاب یوئیل شاید مستقیم ترین مکاشفہ باران آخر در سراسر کتب مقدس باشد، و یوئیل در آغاز، نخست به چار نسل ارتدادی اشارہ می کند کہ به وسیلہ کلیسای لادیکہ ادونتیسٹ روز ہفتم بہ انجام رسیدہ است۔ آن چار نسل ویرانی فزاینده کہ در آیات آغازین یوئیل بہ تصویر کشیدہ شدہ اند، با چار مکروہ فزاینده مذکور در فصل ہشتم حزقیال مطابقت دارند۔ از 1863 تا 1888 نمایانگر نسل نخست است، و بیانگر رد پیام بنیادی میلری ہاست، چنان کہ بر نمودارہای پیشگام 1843 و 1850 بہ تصویر کشیدہ شدہ، در فصل دوم حقوق بازنمایی گردیدہ، و نماد عہد است، چنان کہ بہ وسیلہ دو لوح دہ فرمان نمایانہ می شود۔

1888 تا 1919 نمایانگر نسلی است کہ تجربہ پارسایی بہ وسیلہ ایمان را رد کرد؛ تجربہ ای کہ کلیسای فیلادلفیا ممثل آن است۔ در نسل نخست، تمرکز طغیان بر کار رہبری ای بود کہ ویلیام میلر نمایانہ آن بود، و در نسل دوم 1888، بر ضد رہبری روح نبوت عصیان شد۔ نسل سوم 1919 با کتاب ویلیام وارن پرسکات، Christ* Doctrine of Christ آغاز شد و با کتاب Doctrine* Doctrine* on Doctrine در 1957 پایان یافت۔ آن نسل سوم، نسل مصالحہ با جہان بود، آنگاہ کہ آدونتیسزم در پی کسب اعتباربخشی شیوہ های پزشکی انجمن پزشکی آمریکا، و نیز اعتباربخشی کالج های خود از سوی دانشوران دانشگاهی پروتستانیسم مرتد و کاتولیسیسم رومی برآمد۔

در نسل سوم، رهنمودہای تربیتی برخاستہ از قلم الن وایت رد شد و بہ جای آن، شیوہ های کاذب آموزشی جہان، آن گونه کہ در فلسفہ آموزشی یونان نمود یافتہ است، جایگزین گردید۔ آموزش یونانی با الہ آتنا نمایانہ می شود کہ در معبد پارتنون مکرر در نشویل، تنسی، مورد تکریم قرار گرفته است۔

تعلیم حقیقی کی مثال بائبل میں انبیاء کے اُن مدارس میں پائی جاتی ہے جو نبی الیشع سے وابستہ تھے۔ 167 قبل مسیح کی مکابی بغاوت سے لے کر 70 عیسوی میں یروشلم کی تباہی تک، یہ بڑی حد تک قدیم، لفظی، جلالی سرزمین کی ثقافت اور قوم میں یونانی تعلیم کی دراندازی کے خلاف ایک احتجاج تھا۔ مکابیوں کا احتجاج ہر سطح پر یونانی اثر کے خلاف ایک بغاوت تھا، لیکن مکابی غیروں کی تاریخ اور محرکات میں یونان کا تعلیمی اثر اس قدر ہمہ گیر تھا کہ اسے اس حقیقت سے جدا نہیں کیا جا سکتا کہ غالباً یہودیوں کے اپنے مسیح کے طور پر یسوع مسیح کے انکار کے ساتھ وابستہ سب سے بڑا عامل یونانی تعلیم ہی تھی۔ ایسی کتابیں لکھی گئی ہیں جو یہودیوں پر یونانی تعلیم کے منفی اثر اور جھوٹی تعلیم کے اُس کردار کی نشان دہی کرتی ہیں جو مسیح کے یہودی انکار اور مصلوب کیے جانے میں معاون ہوا۔

شورش مکابیان با شورش سال 1776 در سرزمین جلالی روحانی مدرن ہمراستا است۔ در حال حاضر بیش از 4,000 دانشگاه ثبت شده در ایالات متحده وجود دارد کہ بر فلسفہ شیوہ های آموزشی یونانی و یسوعی بنا شدہ اند۔ ہرج و مرج و بی قانونی بیش از دہ سال گذشتہ را می توان مستقیماً بہ مراکز موسوم بہ آموزشی در ایالات متحده نسبت داد؛ مراکز کی طی دہہ ها، دانشجویانی را تلقین آموزی کردہ اند کہ پیشتر نیز بہ وسیلہ منابع رسانہ ای و سرگرمی بہ پذیرش فلسفہ های جہانی گرایانہ ای شرطی شدہ بودند کہ از فلسفہ های شیطانی دورہ انقلاب فرانسه سرچشمہ گرفته است۔ دانشجویان دانشگاه های امروز، پیش از آنکہ وارد مراکز آموزشی ای شوند کہ برای حملہ بہ سفیدپوستان،

مسیحیان و تاریخ حقیقی آمریکا طراحی شده‌اند، از پیش برای پذیرش سبک زندگی نمایانده شده به وسیله سدوم و عموره شرطی شده بودند. شهروندی از ایالات متحده در روزگار حاضر که بخواهد نظام مستمر دوسطحی عدالت را - که به تحقق عدالت و حقیقت افکنده شده در کوچه‌ها، آن گونه که در کتاب مقدس و روح نبوت شناسایی شده است، می‌انجامد - درک کند، باید بفهمد که اوضاع و احوال کنونی محصول حمله‌ای عامدانه و طراحی شده است که از نخستین سال‌های زندگی، به وسیله نظام آموزشی‌ای تلقین می‌شود که برای آوردن نوع بشر تحت کنترل جهانی‌گرایان نخبه‌گرا - قدرت اژدها! - طراحی شده است.

در نوشته‌های الن وایت پنج مضمون عمده وجود دارد: تعلیم و تربیت، اصلاحات صحنی، زندگی مسیحی، مضمون نبرد عظیم، و دینداری عملی. تعلیم و تربیت یکی از پنج مضمون عمده در روح نبوت است، و الن وایت به همان اندازه که هر نبی مذکور در کلام خدا نبی کتاب مقدسی بود، نبی کتاب مقدسی بود. این، از جمله، بدین معناست که زندگی او نمونه‌ای از و برای آن یک صد و چهل و چهار هزار نفر است. پیش از آن که کسی بیندیشد که تنها مسیح باید الگوی ما باشد، پولس می‌گوید:

زیرا اگرچه در مسیح ده هزار مربی داشته باشید، پدران بسیار ندارید؛ زیرا من در مسیح عیسی شما را به واسطه انجیل مولود ساختم. پس از شما تمنا دارم که از من پیروی کنید. اول قرنیتیان ۱۶، ۱۵:۴

به عنوان یک نبی، الن وایت نمونه‌ای است. تنها یک بار بود که الن وایت نقش عضویت در هیئت مدیره را پذیرفت، و آن بار در پی تأسیس کالجی بود که اصول تعلیم و تربیت حقیقی را، چنان که به عنوان یکی از پنج مضمون عمده خدمت او بیان شده است، در آغوش می‌گرفت. آن کالج در مدیسون تنسی، در محدوده کلان شهری نشویل تنسی واقع شده است. او نه تنها پذیرفت که از سال 1904 تا یک سال پیش از مرگش در 1915 در هیئت امنای مؤسس کالج مدیسون باشد، بلکه در انتخاب زمینی که کالج در آن بنا شد نیز نقشی تعیین کننده داشت. نشویل مرکز نظام آموزشی یونانی است که در تاریخ مکابیان به یهودیان کمک کرد تا مسیح خود را نپذیرند؛ مکابیانی که نمونه‌ای از پروتستانیسم مرتد زمانه‌ای هستند که اکنون در آن زندگی می‌کنیم. خط مکابیان به طور استوار در تاریخ پنهان آیه چهل ترسیم شده است و نمایانگر پروتستانیسم مرتدی است که اکنون به طور کامل با همان ثمرات ویرانگر آموزش یونانی، هرچند در صورتی مدرن، تلقین شده است.

در نسل سوم ادونتیسم، رهبری‌ای که در سال ۱۸۸۸ روح نبوت را رد کرده بود، برگزید تا نظام آموزشی خود را به ساختار اعتباربخشی جهان واگذارد. نشویل نمایانگر مرکز نمادین هر دو نوع تعلیم راستین و کاذب است. نبی همان شهری را برگزید که جهان برای جاودانه ساختن آموزش یونانی برگزیده بود؛ زیرا آموزش یونانی، برخلاف تعلیم راستین، بر جدا ساختن حقیقت به موضوعات منزوی استوار است تا کلیت را نابود سازد. تعلیم راستین، بنیان اساسی چهار مضمون اصلی دیگر خواهر وایت است: اصلاح تندرستی، دینداری عملی، زندگی مسیحی، و به ویژه مضمون «نبرد عظیم».

عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد، و آزمون در باغ عدن، آزمونی را که اکنون جهان با آن مواجه شده است، به تصویر می‌کشد. آزمون در پایان همان است که هر آزمون کتاب مقدسی بوده است، زیرا خدا هرگز تغییر نمی‌کند. یک آزمون کتاب مقدسی فرایندی سه مرحله‌ای از آزمایش است که در پایان این فرایند، دو طبقه را پدیدار می‌سازد. فرشته اول این سه مرحله را چنین بیان می‌کند: از خدا بترسید، او را جلال دهید، زیرا ساعت آزمون تعیین کننده دآوری فرا رسیده است. گام نخست، فرمان نخوردن از درخت معرفت نیک و بد بود. حوا، چون از ترس لازم خدا برخوردار نبود، در آزمون درخت مردود شد و از میوه‌ای خورد که هم نیک و هم بد نمودار شده بود. ترس آدم از خدا نیز او را از داخل شدن در عصیان درخت بازداشت، و دآوری بر هر دوی ایشان آمد، زیرا آنان حیاتی را آشکار ساختند که

از حضور پایدار الوهیت تهی بود.

آزمون ایام آخر با هشدار آغاز می‌شود مبنی بر این که باید افزایش معرفتی را که در مکاشفه عیسی مسیح، اندکی پیش از آن که مهلت آزمایش بشر به پایان رسد، از مهر گشوده می‌شود، تناول کرد. خواه در میان ادونتیسیم و خواه در میان کسانی که بیرون از ادونتیسیم‌اند، این آزمون بر پذیرش یا رد آن افزایش «معرفت» استوار است که در زمان ما از مهر گشوده شده است. آن آزمون معرفت با درخت آزمون باغ نشان داده شده است، درختی که معرفت نیک یا بد را نمایندگی می‌کند. تعلیم حقیقی در سال 1904 در نشویل تنسی جای گرفت و به نماد درآمد، و تعلیم کاذب در سال 1897 در نشویل جای گرفت و به نماد درآمد، و سپس در سال 1920 به صورت بنایی دائمی بازسازی شد. در زندگی آن نبیه، تعلیم حقیقی در نشویل پاس داشته شد، و تعلیم کاذب نیز پاس داشته شد. پس از مرگ او در سال 1915، تعلیم کاذب در دومین و بنای دائمی معبد پارتنون احیا شد، و تعلیم حقیقی از طریق مصالحه با جهان از سوی رهبری کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیسیت روز هفتم مردود گردید.

لقب ناشفیل، «أثينا الجنوب»، أثر في اختيار هذا المبنى ليكون العنصر المحوري في معرض المئوية لعام 1897. وقد استند عدد من مباني المعرض إلى نماذج أصلية قديمة. غير أن البارثينون كان الوحيد بينها الذي جاء نسخة مطابقة تماماً للأصل. وتشتهر ناشفيل، تينيسي، اليوم بموسيقاها، لكن قبل وجود متحف جوني كاش، كانت ناشفيل مشهورة بتعليمها، لا بغنائها.

در دهه ۱۸۵۰، نشویل پیشاپیش با تأسیس مؤسسات متعدد آموزش عالی، لقب «آتن جنوب» را به دست آورده بود؛ این شهر نخستین شهر جنوبی ایالات متحده بود که نظام آموزش عمومی را برقرار کرد. تا پایان آن قرن، دانشگاه فیسک، آکادمی سنت سیسیلیا، آکادمی مونته‌گمری پل، کالج پزشکی مهاری، دانشگاه بلمونت، و دانشگاه وندربیلست همگی در نشویل گشوده شدند. در آن زمان، نشویل به عنوان یکی از فرهیخته‌ترین و آموزش‌دیده‌ترین شهرهای جنوب شناخته می‌شد؛ شهری سرشار از ثروت و فرهنگ.

راز شرارت در کلام ملهم هم اسم است و هم فعل. الهام، شیطان و پاپ را - که خواهر وایت پاپ را «دست راست» شیطان می‌خواند - به عنوان راز شرارت معرفی می‌کند. با این حال، «راز شرارت» همچنین آمیختگی حق و خطا را توصیف می‌کند. چهار نسل ارتداد در یوئیل با چهار مکروه فزاینده در باب هشتم حزقیال مطابقت دارد. آن دو شاهد با چهار کلیسای نخست مکاشفه همسو هستند، و کلیسای سوم با سازش قسطنطین در مسیحیت، در آمیخته با بت‌پرستی، بازنمایی می‌شود. آن چهار کلیسای نخست با تاریخ اسرائیل باستان همسو هستند، که نماد تاریخ اسرائیل جدید است.

در نسل سوم اسرائیل باستان، پادشاهان اسرائیل با سایر امت‌ها پیمان‌هایی بستند که هرگز نباید به هم‌پیمانی با قوم خدا درآورده می‌شدند. موازات میان اسرائیل لفظی باستان و کلیسای مسیحی، آن گونه که در کتاب مکاشفه بیان شده است، موضوعی نبوی است که به روشنی در مطالعه‌ای با عنوان Habakkuk's Tables عرضه شده است. یوئیل، نسل چهارم و نهایه را که از این قوم برگزیده عهدی خدا باشند «منقطع» می‌شوند، با آن بیست و پنج مشایخ همسو می‌سازد که در میان چهار مکروه فزاینده حزقیال، در برابر خورشید سجده می‌کنند. آن نسل چهارم، که در آن ادونتیسیم لائودیکیه‌ای روز هفتم هنگامی که در قانون یکشنبه در برابر خورشید سجده می‌کند منقطع می‌شود، با کلیسای چهارم طبایعاً همسو است که سلطنت پاپی را در سال ۵۳۸ یا در قانون یکشنبه قریب الوقوع نمادپردازی می‌کند. کلیسای سوم، پرغامس، نمایانگر «مصلحه» است؛ خواه اسرائیل باستان که با پادشاهی‌های بت‌پرست هم‌پیمان می‌شود، یا کنستانتین که بت‌پرستی را با مسیحیت درهم می‌آمیزد؛ و آن دو شاهد، نسل سوم حیوان زمین مکاشفه سیزده را خطاب قرار می‌دهند.

چهار نسل ایالات متحده، که در میان سایر حقایق، در طول اسارت ۴۰۰/۴۳۰ ساله به وسیله مصر نمونه‌وار نشان داده شده بود، با غرق شدن فرعون در آب‌های دریای سرخ به پایان رسید. آن آب‌ها نشانه پایان آن ملتی بود که می‌بایست هنگامی داوری شود که خدا به وسیله نبی، موسی، برای اسرائیل باستان رهایی پدید آورد. ایالات متحده در آن بازه زمانی داوری می‌شود که داوری بر کلیسای خدا به انجام می‌رسد؛ از این رو باید توجه داشت که آبی که به زندگی فرعون پایان داد، بر اثر رها شدن باد شرقی بر فرعون فرود آمد؛ همان بادی که در حالی که خدا قوم برگزیده خود را رهایی می‌بخشید، آب‌ها را در جای خود نگاه داشته بود. باد شرقی همان وای سوم است که در هنگام فرارسیدن زلزله مکاشفه یازده، بر قانون یکشنبه ضربه وارد می‌سازد.

نسلی که پیش از نسل چهارم و نهایی حیوان زمین قرار دارد، بر هر دو شاخ جمهوری خواه و پروتستان تحقق می‌یابد. مصالحه شاخ جمهوری خواه که در نسل سوم آن به انجام رسید، در دوره پیرامون جنگ جهانی اول رخ داد، و آن نشانه آن بود که ایالات متحده ساختار اقتصادی خود را به جهانی‌گرایان «Reserve» Reserve واگذار کرد. در همان دوره، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای روز هفتم کوشید تا کار پزشکی و آموزشی خود را بر اساس معیارهای آموزش و پزشکی دنیوی «accredited» سازد. «سر بی‌دینی» در مقام فعل، نمایانگر مصالحه کنستانتین و پادشاهان اسرائیل باستان با قدرت‌های جهان است. واژه‌ای که الهام برای توصیف این مصالحه به کار برده است «amalgamation» است، که در فرهنگ زمان الن وایت چنین تعریف شده است: «blend» mix or unite in an amalgam; to blend. درخت معرفت نیک و بد، درخت امتزاج است، درخت مصالحه. «آخرین نبرد عظیم» بحران قانون یکشنبه است، و آمادگی شیطان برای آن بحران، همان «سر بی‌دینی» است که حکمت انسانی را با مکاشفه الهی درهم می‌آمیزد.

«شیطان سرگرم طرح‌ریزی نقشه‌های خویش برای آخرین نبرد عظیم است، آنگاه که همه جانب خواهند گرفت....»

«به صداها گوش فرا دهید، و نیروهای را که در جهان غالب‌اند، بازشناسید. آیا هیچ صدایی از دعا به گوش می‌رسد؟ آیا هیچ نشانه‌ای می‌بینید که خدا شناخته می‌شود؟ کاهنان هستند، بسیارند؛ اما شریعت یهوه را زیر پای خود پایمال می‌کنند. جامه‌های ایشان به خون جان‌ها آلوده است. انبوهی عظیم برای دیوها قربانی می‌کنند. بنگرید، ای شما که میان اطاعت و نافرمانی در تردیدید. در خیال، به آن جماعت‌های عظیم بنگرید که در مذبح شیطان پرستش می‌کنند. به موسیقی گوش فرا دهید، به زبانی که آن را آموزش عالی می‌نامند. اما خدا آن را چه می‌خواند؟—سر بی‌قانونی.» رساله‌ها، ۱۱، ۰۰۴.

در آخرین نبرد، هنگامی که «همه جانب خواهند گرفت»، آزمون باغ عدن تکرار می‌شود. آزمونی که در آغاز به درختی در میان باغ محدود بود، در پایان، در سراسر جهان تکرار می‌گردد. کار شیطان در پیش از نبرد نهایی «سر بی‌قانونی» است که چنین تعریف شده است: «آموزش عالی!» نماد «آموزش عالی» در سرزمین وحش زمین‌خاست در نشوین تنسی، «آتن جنوب»، یافت می‌شود؛ جایی که معبد پارتنون در تقابل با تعلیم حقیقی‌ای قرار دارد که زمانی در نشوین به وسیله کالج مدیسون نمایندگی می‌شد. نقل قول زیر از الهام، در پایان این مقاله به طور کامل آورده شده است، اما در اینجا باید به چند نکته توجه شود.

«همه به حکمتی نیاز دارند تا با دقت، راز بی‌قانونی را که در پایان‌بندی تاریخ این زمین چنین نقش عظیمی دارد، جست‌وجو کنند....»

«برای بازگردانی بهشت، هیچ راه میانه‌ای وجود ندارد. پیامی که برای این ایام آخر به انسان داده شده است، این نیست که با تدبیرهای بشری درآمیزد....»

«کسانی که خدا آنان را به مقام‌های بلند اعتماد و مسئولیت برکشیده است، ممکن است از نور آسمان به سوی حکمت انسانی روی گردانند... همه کسانی که بخواهند شخصیتی داشته باشند که ایشان را همکاران خدا سازد و تحسین خدا را دریافت کنند، باید خود را از دشمنان خدا جدا سازند و به آن حقیقتی پایبند بمانند که مسیح به یوحنا داد تا آن را به جهان برساند.» Manuscript Releases جلد 18، 30-36.

«همه» کسانی که به «حکمت» نیاز دارند، نمایانگر همه آنان‌اند که به فرایندی از آزمون وارد می‌شوند که سرانجام دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد. «حکیمان» کسانی هستند که «حکمت» مورد نیاز را به دست می‌آورند. این فرایند آزمون از زمانی آغاز می‌شود که مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌گردد، اندکی پیش از پایان مهلت آزمون انسان. آن گشوده شدن، «افزایش معرفت» را آغاز می‌کند. کسانی که با آزمون مرتبط با مکاشفه عیسی مسیح روبه‌رو می‌شوند، «روغن» معرفت نبوی را که برای هدایت، آماده‌سازی و تقدیس از پیش، پیش از فرارسیدن باد شرقی در قانون یکشنبه مقرر شده است، به دست خواهند آورد. «درخت معرفت نیک و بد» نماد آن نان تقلبی آسمان است که باید یا خورده شود یا رد گردد.

در جلیل، در کنیسه کفرناحوم، عیسی در یک واقعه بیش از هر زمان دیگری در دوران خدمت خود پیروان خویش را از دست داد. در آنجا آزمون این بود که آیا کلمات نبوتی مسیح لفظی بود یا روحانی؛ و آنان که در این آزمون ناکام ماندند، شکست خوردند، زیرا فراموش کرده بودند که انسان باید به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر می‌شود زیست کند. مسیح به روشنی اعلام کرده بود که او نانی است که از آسمان نازل شده است، و آنان که در این آزمون ناکام ماندند، حقیقت را با حکمت انسانی، که یونانیان نماینده آن بودند، درآمیخته بودند.

پیش از آن که حوّا ناکامی باغ را آغاز کند، مسیح هم به آدم و هم به حوّا فرمان داده بود که از میوه درخت معرفت نیک و بد نخورند. نخستین سه گام انجیل جاودان، ترس از خداست.

«بگذارید ذهن، حقایق شگفت‌انگیز مکاشفه را دریابد، و هرگز خرسند نخواهد شد که قوای خود را صرف موضوعات بیهوده کند؛ بلکه با انزجار از ادبیات سخیف و سرگرمی‌های باطلی که جوانان امروز را فاسد می‌سازند، روی بخواهد تافت. آنان که با شاعران و حکیمان کتاب مقدس همنشینی کرده‌اند، و جان‌هایشان از کردارهای پر جلال قهرمانان ایمان به جنبش درآمده است، از آن کشتزارهای پر بار اندیشه با دلی بسی پاک‌تر و ذهنی بسی والاتر باز خواهند گشت، تا اگر به مطالعه نامدارترین نویسندگان غیردینی مشغول می‌بودند، یا به تأمل در فتوحات فرعون‌ها و هیرودیسی‌ها و قیصرهای این جهان و ستایش آنها می‌پرداختند.»

«جوانوں کی قوتیں زیادہ تر غیر بیدار رہتی ہیں، کیونکہ وہ خوفِ خدا کو حکمت کی ابتدا نہیں بناتے۔ خداوند نے دانی ایل کو حکمت اور علم عطا کیا، کیونکہ وہ کسی ایسی قوت کے زیر اثر نہ آیا جو اُس کے دینی اصولوں میں مداخلت کرتی۔ اس بات کی وجہ کہ ہمارے پاس مضبوط ذہن، ثابت قدمی، اور پختہ قدر و قیمت رکھنے والے لوگ بہت کم ہیں، یہ ہے کہ وہ آسمان سے تعلق منقطع کر کے عظمت حاصل کرنے کا خیال کرتے ہیں۔» Messages to Young People, 255, 256.

حوا «ترس خدا»ی خود را از دست داد. او می‌بایست از کلمات خدا بلرزد، و این صفت آن یکصد و چهل و چهار هزار است. ترس از خدا نخستین سه آزمون است، و هنگامی آغاز می‌شود که کلام نبوی مهرگشایی می‌گردد، و در نهایت طبقه‌ای از حکیمان و طبقه‌ای از جاهلان پدید می‌آورد. آغاز کار برای آنان که مقدرند حکیم باشند، این است که از کلام خدا بلرزند. حوا چنین نکرد، و هنگامی که با گام دوم فرایند آزمون روبه‌رو شد، نتوانست خدا را جلال دهد، و سپس با ساعت داوری مواجه گردید، جایی که عریانی لائودیکه را آشکار ساخت.

«همه کسانی که می‌خواهند منش مسیحی را به کمال برسانند، باید یوغ مسیح را بر دوش گیرند. اگر می‌خواهند در مسیح عیسی در جای‌های آسمانی با هم بنشینند، باید در حالی که بر این زمین‌اند از او بیاموزند. مسیح در پی خشنودی خود نبود. تمامی زندگی او تجلی خیرخواهی پاک و بی‌غرض بود. او طبیعت انسانی را بر خود گرفت تا به جهان سقوط کرده، به شیطان و کنیسه او، به عالم آسمان، و به جهان‌های سقوط‌نکرده نشان دهد که طبیعت انسانی، چون با طبیعت الهی او متحد گردد، می‌تواند به‌طور کامل مطیع شریعت خدا شود. همه نیاز دارند بپرسند: «برای نجات یافتن چه باید بکنم؟» خدا دل‌های فروتن و توبه‌کار می‌طلبد که از کلام او بلرزند. تنها از مذهب الهی است که می‌توانیم مشعل آسمانی را دریافت کنیم؛ مشعلی که چون دریافت شود، ناتوانی ما را به‌تمامی در برابر دیدگانمان قرار خواهد داد و عظمت و جلال مسیح را بر ما مکشوف خواهد ساخت. هنگامی که این دیده شود، خدا ما را تحت هدایت روح القدس قرار می‌دهد، و او ما را به تمامی حقیقت رهبری خواهد کرد.» Bible Echo، 20 ژوئیه 1896.

آمیختگی حقیقت و خطا کاری شیطان است که به‌عنوان راز بی‌قانونی شناخته می‌شود. سازش تمامی نوع بشر در حرکات پایانی دآوری تحقیقی در معبد پارتنون در نشویل تنسی تجسم یافته است.

«برای ما حکیمانه نیست که جوانان خود را به دانشگاه‌هایی بفرستیم که در آنجا وقت خویش را صرف کسب معرفت زبان‌های یونانی و لاتینی می‌کنند، حال آنکه سرها و دل‌های ایشان از افکار نویسندگان بی‌ایمانی که برای تسلط بر این زبان‌ها به مطالعه آنان می‌پردازند، پر می‌شود. آنان دانشی به دست می‌آورند که نه به‌هیچ‌وجه ضروری است و نه با تعالیم معلم اعظم هماهنگ. عموماً کسانی که بدین‌گونه تعلیم یافته‌اند، از خودبینی بسیار برخوردارند. می‌پندارند که به اوج آموزش عالی رسیده‌اند و با تکبر رفتار می‌کنند، چنان‌که گویی دیگر شاگرد نیستند. ایشان برای خدمت خدا فاسد می‌شوند. زمانی، امکانات، و کوششی که بسیاری در راه کسب آموزشی نسبتاً بی‌فایده صرف کرده‌اند، می‌بایست برای به‌دست‌آوردن آموزشی به کار می‌رفت که آنان را مردان و زنانی همه‌جانبه، و شایسته زندگی عملی، می‌ساخت. چنین آموزشی برای ایشان از بالاترین ارزش برخوردار می‌بود.»

«دانش‌آموزان ما هنگامی که از مدارس ما بیرون می‌روند، چه چیزی را با خود می‌برند؟ به کجا می‌روند؟ چه خواهند کرد؟ آیا دانشی را دارند که ایشان را قادر سازد به دیگران تعلیم دهند؟ آیا چنان تربیت شده‌اند که پدران و مادرانی حکیم باشند؟ آیا می‌توانند در رأس یک خانواده، همچون آموزگارانی دانا، بایستند؟ آیا در زندگی خانوادگی خود می‌توانند فرزندان خویش را چنان تعلیم دهند که خانواده ایشان خانواده‌ای باشد که خدا با خشنودی بر آن نظر افکند، زیرا نمادی از خانواده آسمانی است؟ آیا آن یگانه آموزشی را دریافت کرده‌اند که به‌راستی بتوان آن را "آموزش عالی" نامید؟»

«تحصیلات عالی چیست؟ هیچ آموزشی را نمی‌توان تحصیلات عالی نامید مگر آنکه شباهت آسمان را در خود داشته باشد، مگر آنکه جوانان مرد و زنان را به مسیح‌مانندی رهنمون شود، و آنان را شایسته سازد تا در جایگاه خدا در رأس خانواده‌های خود بایستند. اگر در دوران تحصیل، جوانی از کسب معرفت زبان‌های یونانی و لاتینی و نیز از آشنایی با احساسات و اندیشه‌های مندرج در آثار نویسندگان بی‌ایمان یازمانده باشد، زیان چندانی ندیده است. اگر عیسی مسیح این گونه تعلیم را ضروری می‌دانست، آیا آن را به شاگردان خود، که ایشان را برای انجام بزرگ‌ترین کاری که تاکنون به فانیان سپرده شده بود تعلیم می‌داد، عطا نمی‌کرد، تا او را در جهان نمایندگی کنند؟ اما، برعکس، او حقیقت مقدس را به دست‌های ایشان سپرد تا آن را در سادگی‌اش به جهان بدهند.»

«گاه‌هایی هست که به دانشوران زبان‌های یونانی و لاتینی نیاز است. برخی باید این زبان‌ها را بیاموزند. این نیکوست. اما نه همه، و نه بسیاری، باید به مطالعه آنها پردازند. آنان که می‌پندارند

آگاهی از یونانی و لاتینی برای تحصیلات عالی‌تر امری ضروری است، دوردست را نمی‌بینند. همچنین، آگاهی از اسرار آنچه مردمان جهان «علم» می‌نامند، برای ورود به پادشاهی خدا ضروری نیست. این شیطان است که ذهن را از مغالطه و سنت بشری انباشته می‌سازد؛ همان چیزهایی که آموزش عالی حقیقی را کنار می‌زنند و همراه با آموزنده نابود خواهند شد.»

«کسانی که تعلیمی کاذب دریافت کرده‌اند، به سوی آسمان نمی‌نگرند. آنان قادر نیستند آن کسی را که نور حقیقی است ببینند، «که هر انسانی را که به جهان می‌آید منور می‌سازد.» آنان حقایق ابدی را چون اوهام می‌نگرند، و ذره‌ای را جهان می‌خوانند و جهانی را ذره‌ای. درباره بسیاری از کسانی که آنچه را تعلیم عالی نامیده می‌شود دریافت کرده‌اند، خدا اعلام می‌دارد: «در ترازو سنجیده شده‌ای، و ناقص یافته شده‌ای» — در معرفت امور عملی ناقص، در شناخت چگونگی بهترین استفاده از وقت ناقص، و در معرفت چگونگی کار کردن برای عیسی ناقص.» Review and Herald، 17 اوت 1897.

بزرگواران کی تنبیه نشویل کے کسی من مانے شہر سے متعلق نہیں، بلکہ یہ سیونٹھ ڈے ایڈونٹسٹس، ریاستہائے متحدہ اور دنیا پر لایا گیا ایک براہ راست الہی فیصلہ ہے۔ نشویل کے بزرگوار ایڈونٹزم کی مختلف اقسام، زمینی درندہ اور دنیا کے لیے مختلف اوصاف کی نمائندگی کرتے ہیں۔ نشویل کے بزرگوار جھوٹی تعلیم پر خدا کا فیصلہ ہیں، جس کی علامت نیک و بد کی پہچان کے درخت سے دی گئی ہے۔

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«خداوند عیسی به وسیله تصاویر گوناگون، به یوحنا سرشت شریر و نفوذ فریبنده کسانی را نمایان ساخت که به سبب آزار قوم خدا شناخته شده‌اند. همه به حکمتی نیاز دارند تا با دقت، راز بی‌شرعی را که در فرجام تاریخ این زمین چنین نقش بزرگی دارد، جست‌وجو کنند. آنچه خدا از اعمال نفرت‌انگیز ساکنان قدرت‌های حاکم جهان، که خود را در انجمن‌ها و اتحادیه‌های سری به هم پیوند می‌دهند و شریعت خدا را حرمت نمی‌نهند، آشکار ساخته است، باید قومی را که نور حقیقت را دارند قادر سازد که از همه این بدی‌ها برکنار بمانند. بیش از پیش، همه دین‌ورزان کاذب جهان اعمال شریبانه خود را آشکار خواهند ساخت؛ زیرا فقط دو گروه وجود دارند: آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و آنان که با شریعت مقدس خدا به جنگ برمی‌خیزند....»

د بن‌خ‌ی د نسل او د مار ترم‌ن‌خ د بن‌منی د خ‌بن‌تن له خوا په څرگند ډول ټاکل شوې ده. «او زه به ستا او د بن‌خ‌ی ترم‌ن‌خ، او ستا د نسل او د هغې د نسل ترم‌ن‌خ د بن‌منی ک‌بن‌ی‌ردم؛ هغه به ستا سر وټ‌کوي، او ته به د هغه پونده ووهې.» «او آدم ته یې وفرمایل، څ‌که چې تا د خپلې بن‌خ‌ی غ‌ر ته غور ونيو او له هغې ونې دې وخورل چې ما درته امر کړی و، ویلې مې وو: له هغې څ‌خه مه خوره؛ نو ځ‌مکه به ستا په سبب لعنتي وي؛ ته به د خپل ژوند ټولې ورځې په ک‌ړاو کې له هغې څ‌خه خوراک کوې؛ اغزي او خس به هم درته راشنه کوي؛ او ته به د کروندې بوټي خورې؛ د خپل مخ په خولو به ډوډۍ خورې، تر هغه چې بېرته ځ‌مکې ته وگرځې؛ څ‌که چې له هغې څ‌خه اخیستل شوی یې؛ ته دوره یې، او بېرته به دورې ته وگرځې.»

«با پیروی از راه خود، با عمل کردن در هماهنگی با وسوسه‌های شیطان و در مخالفت با اراده شناخته‌شده خدا، انسان به عبث کوشید خود را رفعت بخشد و مبارک سازد. بدین‌سان، معرفتی آزموده از نافرمانی نسبت به احکام خدا به دست آورد. بدین‌سان نیک و بد را شناخت؛ بدین‌سان امانت و وفاداری خویش را نسبت به خدا از دست داد و دروازه‌های سیلاب شرارت و رنج را بر تمام خانواده بشری گشود. امروز چه بسیارند کسانی که همان آزمایش را تکرار می‌کنند! انسان چه زمانی خواهد آموخت که یگانه وسیله امنیت او، اعتماد کامل به «چنین می‌فرماید خداوند» است؟»

«شیطان در پی آن است که از طریق روش‌های بشری، ساخته‌ها و ابداعات خود را بر فرزندان خدا تحمیل کند. او می‌کوشد تا همچون خدا پذیرفته شود، بلکه حتی برتر از خدا قرار داده شود.»

«با تبدیل سبّت به روزِ اوّل هفته، او آدمیان را به بی‌پاوری نسبت به اظهارات خدا رهنمون می‌شود، و بدین‌سان آنان را وا می‌دارد که راه‌ها و نقشه‌های خود را چنان بنگرند که در نظر خویش و در داوری منحرف خود، بسی خردمند جلوه کنند. او به وسیله سیاست بشری، آدمیان را بر آن می‌دارد که احکام مصرح خدا را کم‌اعتبارتر از سنت انسانی بدانند، و انحراف از آن شریعتی را که همواره مقدّس و عادل و نیکوست، امری کم‌اهمیت بشمارند. او می‌بیند که با این‌گونه بازداشتن عوامل انسانی از آن‌که چون فرزندان مطیع در هماهنگی با خدا گام بردارند، می‌تواند مانع به‌انجام رسیدن کار خدا در جهان ما شود.»

«لیکن اب، پس از آن‌که آزمایش گناه به‌عمل آمده است، تبانی‌های شیطان با عوامل انسانی‌ای که در مناصب مسئولانه ایستاده‌اند، به همان اندازه سزاوار ترس و اجتناب است که در مورد نخستین والدین ما بود. به من دستور داده شده است که بگویم مردانی که در کار خدا در مناصب مسئولیت گماشته شده‌اند، حق خود را برای مهار و کنترل دیگران بیش از اندازه برآورد کرده‌اند. مقامی که مردی اشغال می‌کند، شخصیت او را دگرگون نمی‌سازد. برخی چنان به‌نظر رسیده‌اند که احساس می‌کنند باید برای کلیساها و برای آسایشگاه‌ها تدبیر کنند و در قضاوت ایشان هیچ جای پرسش نباشد. بگذارند در هر گام از عیسی بیاموزند. او باید برای هر انسان، مرجع اعلی باشد.»

«او که بارها معلّم ما بوده است، می‌گوید: "چه دشوار است که انسان با خدای خود به فروتنی سلوک کند، و با روحی توبه‌کار راه خدا را در پیش گیرد و پیشنهادهای شیطان را که به نظر می‌رسد مزایای بزرگ دنیوی عرضه می‌کنند، رد نماید." تأثیر این‌که انسان به جای آن‌که استوار بر بنیاد محکمی که فقط خدا نهاده است بایستد، راه خود را در پیش گیرد، بارها و بارها تکرار شده است. امتناع از گام نهادن در راه‌های راست که خدا معین فرموده است، ایشان را به سردرگمی خواهد کشانید و به دیگرانی که همین امتحان و آزمایش را دارند، حکمت نخواهد آموخت. انسان چه زمانی خواهد آموخت که خدا، خداست، و انسان نیست تا تغییر کند؟»

«برخی که از راه راست منحرف شده‌اند، پیوسته در تبی بوده‌اند تا مسئولیت‌هایی را به‌چنگ آورند که خدا بر عهده ایشان نهاده است. خدا از هر خادم و هر طبیب می‌خواهد که سادگی حقیقت را حفظ کند. پسر خدا که در هر دو عهد عتیق و جدید مکشوف شده است، امروز نجات‌دهنده جهان ماست. هر مبشر طبی رسالتی باید آموزش خود را از او دریافت کند. مگر آنکه خود را از رئیس قدرت هوا جدا سازد، جان‌هایی را که به او اعتماد دارند گمراه خواهد کرد. همه از مردانی برحذر باشند که چنان تعلیم یافته و سرافراز شده‌اند که مردم عامی نمی‌توانند نقشه‌های آنان را درک کنند.»

«دسیسه‌های گناه از هر تصویر نامتناهی فراتر می‌رود. هر مصیبت، هر رنج و مرگ، نه تنها گواهی بر قدرت شر، بلکه بر حقیقت خدای زنده نیز هست. انسان، با آنکه حقیقت را شناخته است—کلام خدای زنده را که تا ابد باقی است و به واسطه اطاعت حیات می‌بخشد—با این همه، ضعف او در هماهنگ شدن با زیرکی شیطان به‌غایت شگفت‌انگیز است. همه آنان که از خدا تعلیم یافته‌اند، مسیح را به‌عنوان پسر او می‌شناسند. همه آنان که بیانات شناخته‌شده خدا را باور نمی‌کنند، رواج گناه را آشکار می‌سازند و در جانب حیات و جاودانگی، که از طریق تقدیس کامل حقیقت به روشنایی آورده می‌شود، کار نمی‌کنند. مگر آنکه در منش، در سخنان، و در روح، تغییری پدید آورند، جان‌ها هلاک خواهند شد.»

«بهشت بازگردانیده شده را راهی میانه نیست. پیامی که برای این ایام آخر به انسان داده شده است، آن نیست که با تدبیرهای بشری درآمیزد. ما نباید بر سیاست وکلای دنیوی تکیه کنیم. ما باید مردانی فروتن و اهل دعا باشیم، نه آن گونه که چونان کورشدگان به وسیله کارگزاری های شیطان رفتار می کنند.»

«Ունեն հավատ, սակայն ոչ այն հավատը, որ գործում է սիրով և մաքրում ենք»:»
հոգին: Փրկարար հավատը պարզապես ճշմարտության հանդեպ սոսկ հավատամք չէ: «Դներն էլ են հավատում և դողում»: Աստծո Հոգու ներշնչումը մարդկանց հաղորդում է այնպիսի հավատ, որ մղող զորություն է, կերտում է բնավորությունը և մարդկանց առաջնորդում է վեր՝ սոսկ ձևական արարքներից անդին: Խոսքերը, արարքները և ոգին պետք է վկայեն այն փաստի մասին, որ մենք Քրիստոսի հետևորդներ ենք»:»

«بزرگ ترین نوری و برکتی که خدا عطا فرموده است، در این ایام آخر، ضمانتی در برابر تعدی و ارتداد نیست. آنان که خدا ایشان را به مناصب عالی اعتماد برکشیده است، ممکن است از نور آسمان به سوی حکمت انسانی روی برگردانند. آنگاه نور ایشان به ظلمت مبدل خواهد شد، توانایی هایی که خدا به امانت به آنان سپرده است دامی خواهد گردید، و سیرت ایشان مایه اهانته به خدا خواهد شد. خدا را نمی توان استهزا کرد. دوری از او، همواره با نتایج حتمی خود همراه بوده و خواهد بود. ارتکاب اعمالی که خدا را ناخشنود می سازد، اگر به گونه ای قاطع از آنها توبه نشود و ترک نگردند، به جای آنکه انسان در پی توجیه آنها برآید، بدکار را گام به گام در فریب پیش خواهد برد تا آنکه گناهان بسیار با بی کیفی ارتکاب یابد. همه کسانی که می خواهند صاحب شخصیتی باشند که ایشان را همکاران خدا سازد و استحسان خدا را نصیبشان گرداند، باید خود را از دشمنان خدا جدا سازند و بر حقیقتی که مسیح به یوحنا داد تا آن را به جهان برساند، استوار بمانند.» Manuscript Releases, جلد 18, 30-36.